

برای ملت و امام و مسئولان ما امیدوار کننده است، انشاءالله این هم تنبیهی
باشد برای دشمنان داخلی و خارجی که اینها متنبه بشوند و بدانند که هیچگاه
و هیچجا پایگاه ندارند.

www.KetabFarsi.com



پیام برادر میرحسین موسوی نخست‌وزیر بمناسبت سالگرد وقایع آمل
مردم مسلمان و قهرمان آمل - ملت شریف ایران

سال گذشته مقارن با سالگرد اعلان انقلاب باصطلاح سفید که از
توطئه‌های کاخ سفید آمریکا بمنظور بذلت کشاندن شما مردم قهرمان توسط
شاه خائن در کشورمان بود، جبهه متحد ضد انقلاب بجنایت و تلاش
مذبوحانه‌ای در خطهٔ پاک شمال و در شهر قهرمان پرور آمل دست زد.

مدتها قبل از آن واقعه، بدنبال شکست فاحش حرکت باصطلاح نظامی
و اعمال تروریستی گروهکها و رسوائی سیاسی آنان و فرار رهبران
خائنشان و پناه بردن بدامان امپریالیسم، اخباری دال بر وجود حرکت‌های
مشکوک در جنگلهای شمال، بگوش میرسید. و چنین استنباط میشد که
ضد انقلابیون از خدا بی‌خبر و غافل از آمل و احوال خلق، تبلیغات
دامنه‌داری را مبنی بر داشتن پایگاه مردمی در شهرها و روستاهای شمال
سر داده و قصد دارند حادثه تازه‌ای آفریده و دست پلید خود را بخون
فرزندان راستین اسلام رنگین سازند.

موعود آغاز این حرکت شیطانی که چیزی جز شکست و ذلت، آنهم به
دست خلق برای دشمنان خلق به‌ارمغان نیاورد، خودنکنده‌روشنی برای بی‌بردن
به ماهیت زشت این از خدا بی‌خبران و اربابان جنایتکارشان میباشد.

در اولین دقایق روز سه‌شنبه ششم بهمن‌ماه افراد مسلح و سازمان
یافته‌ای با استقرار در مواضع حساس شهر آمل بقصد تصرف قرارگاه‌های

نیروهای انتظامی و در نهایت بدست گرفتن کنترل کامل شهر، تنهاجیم و حشیانهای را آغاز نمودند. آنان قصد داشتند آمل را بعنوان گلوگاه مازندران تسخیر و مقدمه اعلان منطقه آزاد شده شمال کشور را فراهم سازند.

در اولین ساعات آغاز درگیری، مردم مسلمان و قهرمان آمل از پیر و جوان، زن و مرد، کارگر و کشاورز بیاری مدافعین شهر شتافته و بار دیگر حماسه‌ای از عشق و ایمان را بمعرض نمایش گذارند. عناصر فریب خورده که استقبال مردم را در ذهن خود انگاشته بودند، ناگهان با امواج امت حزب‌ا... که با دست خالی، جسورانه بسوی آنان هجوم میبردند، مواجه شدند. چهره شهر دگرگون شد، وقایع روزهای سرنوشت ساز پیروزی انقلاب در تهران، اینبار در آمل تکرار گردید، هر کس با هر عنوان و در هر سنی بطریقی بکمک‌رسانی برای مدافعین انقلاب مشغول بود، سنگرها از کیسه‌های شنی با همت والای مردم برپا گردید. عده‌ای در گوشه‌ای از شهر در پشت سنگرها دست اندر کار تهیه آذوقه برای رزمندگان و مدافعین شهر بودند. آمل یکپارچه به ایثار و جانبازی تبدیل گشت، و پس از چند ساعت از آغاز، غائله خوابید و دشمن زبونانه تسلیم، کشته و از صحنه گریخت.

حادثه خونین آمل بدون تردید در تاریخ انقلاب اسلامی بعنوان واقعه‌ای مهم و تعیین کننده از دید دشمنان کینه توز و دوستان و یاران انقلاب اسلامی، ثبت رسیده و خواهد رسید، چرا که ضد انقلابیون و دشمنان خالق و خلق بر اساس تحلیل ذهنیتهای مادی و کور اربابان جنایتکارشان تصور میکردند، اسلام و انقلاب در شمال از آنچنان قوام و دوام و نفوذی که در سایر نقاط کشور وجود دارد، برخوردار نیست، لذا تمامی امید خود را به این نقطه بسته بود. غافل از اینکه امتی موحد و یکصدا که در خیزشی عمومی و بی سابقه قیام کرد و آمریکا و اذناش را از کشور رسول الله به بیرون راند تا قوانین الهی را جایگزین سلطه شیطانی قدرتهای استعمارگر نماید، قادر است در تمام نقاط این مرز و بوم متحد و یکدست در برابر توطئه‌ها بایستد، مبارزه کند و شهادت یا پیروزی دست یابد.

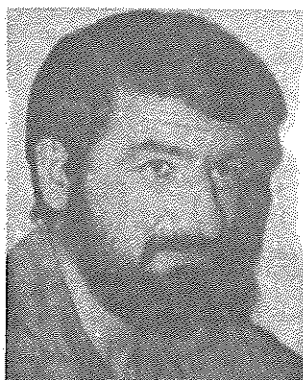
مردم قهرمان آمل نیز بر اساس باورهای عمیق اسلامی و عشق و وفاداری برهبر عظیم‌الشان و تعهد به انقلاب آنچنان ضربه‌ای بر پیکر مزدوران وابسته به بیگانگان وارد آوردند که اربابانشان در خارج از کشور را به سکوتی حیرت‌آور دچار ساختند.

بهمین دلیل حاکمیت و پیروزی مردم در این شهر و شکست ضد انقلاب هیچگونه بازتابی در بوقهای تبلیغاتی امپریالیسم خبری نداشت و عکس‌العمل آنها تنها سکوت بود و بس. زیرا جریانی را که قدرتهای بزرگ و وابستگانشان بدان امید بسته بودند با مقاومت بی‌نظیر مردم بسختی سرکوب و در نطفه خفه شد.

اینجانب سالگشت این واقعه حماسه آفرین را بمردم مسلمان و همیشه در صحنه آمل و ملت مسلمان ایران تبریک گفته و برای ارواح طیبه شهدای اسلام از خداوند متعال درجات عالی مسئلت می‌نمایم.
ان تنصر الله ينصرکم و يثبت اقدامکم - والسلام علیکم و رحمة الله

میر حسین موسوی

نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران



قسمتی از :

سخنرانی برادر محسن رضائی در رابطه با حوادث آمل

فلم تفتلوهوم ولكن الله قتلهم وما رمیت اذ رمیت ولكن الله رما
این جریانی که اتفاق افتاده، جریانی است که از طرف اتحادیه
کمونیستها است. اتحادیه کمونیستها هم گروهی هستند که ظاهرش چپی
است، اما وابسته به امریکا است و آن موقعی که مقبره رضاخان پالانی وازگون
شد، این اتحادیه با دادن اعلامیه شدیدالحنی با تخریب مقبره به مخالفت
برخواستند، و اعلامیه‌های بعدی ماهیت این گروه را مفصلا برای ما روشن
ساخته است. این گروه، با مارک چپی خود را به ما معرفی کرده است که در
اصل در زیر لوای راست ادامه حیات می‌دهد. البته ما مخالفین چپمان هم
دست کمی از اینها ندارند، ولی این جریان، جریان چپی است که تفکر
مارکسیستی را با حمایت جناح راست و آمریکا دارند پیاده می‌کنند. اما
وقتی که آدم از این متهمین می‌پرسد که انگیزه شما از حمله چه بوده؟ جوابی
که می‌شنود مسئله واقعا باور نکردنی است. و انسان وقتی که به این حرفها
گوش می‌کند و واقعیت را می‌بیند، احساس می‌کند که اینها چقدر تفکرشان
عقب است، چقدر بچه‌گانه فکر می‌کنند، به ما می‌گفتند: اینکه شما می‌گوئید
که ما فرار کرده‌ایم رفتیم به جنگل، نه ما فرار نکردیم ما بر نامه‌ریزی
بکنیم. ما هم گفتیم که خب همه گروهها این ابتدائی‌ترین خط مشی آنهاست

که کارشان را برنامه‌ریزی نکنند، اما بگوئید ببینیم که می‌خواستید آمل را آزاد کنید، اول بگوئید که آیا می‌خواستید آمل را آزاد کنید و یا اینکه یک درگیری راه بیندازید و بعد هم فرار کنید؟ گفتند که نه ما می‌خواستیم آمل را آزاد کنیم و بعدش هم بابل و به ترتیب تمام استان را. گفتیم طبق برنامه‌ریزی دیگره بله؟ گفتند: شکی نیست گفتیم خوب شما که طبق برنامه پیش می‌رفتید آیا افراد سپاه را برآورد کرده‌اید که آیا اینها چند نفرند؟ نیروهای بسیج، نیروهای بقیه قوا را برآورد کرده‌اید که چند نفرند؟

و بعد آیا حساب کرده‌اید که این توده مردم که بقول شما بطور ناآگاهانه از رژیم تبعیت می‌کنند، چقدر از ما دفاع خواهند کرد؟ بقیه سؤالاتی که می‌کردیم معلوم بود که یک ذهنیت کلی در ذهنشان بود. و آن این بود که: آن موقع که ما تصمیم گرفتیم به آمل بیائیم به علت چندین عامل بود:

اول - اینکه فکر کردیم که با رفتن بنی‌صدر، الان ۱۱ میلیون نفر طرفدار ایشان هستند از طرفی دیگر الان رژیم تمام نیروهایش را در جنگ درگیر کرده است، و الان بهترین فرصت برای جنگیدن با رژیم است.

دوم - نیروهای دیگری هم هستند که آمادگی مقابله را دارند و از اینها هم می‌شود استفاده کرد.

ما می‌گفتیم که کافی است که ما جرقه را بزیم تا مردم قدرت عمل را بدست گرفته علیه رژیم بسیج شوند اما این انتظار به یاس مبدل شد و مردم درست برعکس عمل کردند آنهم به صورتی غیر قابل تصور.

بله این بود از استدلالهای این گول خورده‌ها. و ما بعد از دستگیری به‌برادران گفتیم که بیارید اینهارا، این سنگرهای مردم را به آنها نشان بدهید، تا اینها ببینند که مردم چگونه در صحنه هستند. این مردم آنقدر سنگر درست کرده بودند که الان که دوسه روز می‌گذرد نیروهای انتظامی فقط موفق به جمع‌آوری سنگرهای یک خیابان نشدند و این باعث افتخار

حکومت جمهوری اسلامی است.

درد بر این مردم!

این نیروی عظیم مردم را که برادران ما مشاهده فرموده‌اند، همان مردمی هستند که ۲۲ بهمن‌ها را بوجود آورده‌اند و اگر ماعرضه خوب استفاده کردن از این نیروهای عظیم انسانی را داشته باشیم، می‌توانیم بسیاری از مسائل را حل کنیم. این مسئله شعار نیست و نیروی مردم را ما در بسیاری از جاها آزموده‌ایم و من به جرأت می‌توانم بگویم که با توسط عقل، می‌توانیم در ایران نیرویی را بوجود آوریم که از نیروی آمریکا و شوروی قویتر باشد. دلیل ما اینست که می‌گوئیم که ارتش آمریکا چند میلیون نفرند؟ از تعداد صد و خورده‌ای جمعیت آمریکا، ارتش آن کشور حدود دو میلیون نفرند. چرا آمریکا بیش از این نمی‌تواند ارتش تشکیل دهد دارای بهترین امکانات هم هست، پس چرا دو میلیون؟ به خاطر اینکه اعتماد ندارد تازه تمام زورش را زده تا توانست دو میلیون رابیاورد و نگه دارد تازه با همه سازمانهای جاسوسی و از این قبیل. و بخاطر این ارتش را بیشتر نمی‌کند که اگر این کار را بکند امکان دارد که از میان همان افراد، کسانی باشند که بر علیه خودشان قیام کنند و این بر ضررشان است. اما در مملکت ما، شما خودتان شاهد هستید که چه تعداد از افراد ما خواهان مسلح شدن هستند، این به این دلیل است که در آمریکا، احزاب مادری که تشکیل حکومت می‌دهند، احزابی مانند حزب دموکرات و حزب جمهوریخواه و امثال اینها هستند و فوق‌اش هم سابقه‌ای هم که داشته باشند، از ۷۰ سال هست تا ۳۰ سال اینها با این تشکل سیاسی دارند آن مردم را نگه می‌دارند، اما ما چه داریم که ملتمان را نگه داریم؟ ما با همین سینه‌زنیها، با آن صحرای کربلا، و با ائمه اطهار و مکتبمان است که ۱۴ قرن سابقه دارد. ماهیج باکی نداریم که همه مردم ما هم مسلح شوند. چون همه مسلمانند. مگر میشود یک مسلمان از مسلمان دیگری بترسد، مگر نه این بود که همه مردم ریختند روی رژیم سابق.

همه هم اسلحه دستشان رسید و بعد همه هم اسلحه‌ها را پس دادند. و آنهایی هم که اسلحه را ندادند، عوامل همان رژیم بودند و از منافقان

بودند که الان هم می آیند و در مقابل مردم قرار می گیرند.
پس ما با این فرهنگ غنی و مذهب و مکتب قوی ما قادریم لقریب
۲۰ میلیون نفر ارتش داشته باشیم و به این ترتیب سیستم دفاعی برای خودمان
وجود بیاوریم. ما ذهنی حرف نمی زنیم، ما این مسائل را به عینیت دیده ایم
در بستان و در آبادان و در جبهه های دیگر.

اسرای عراقی می گویند: يك افسر توجیه سیاسی عراقی، بعد از
عملیات بستان آمده بود در روبروی شوش، که فرماندهان نظامی ناحیه
شوش را توجیه سیاسی بکند. این افسر آمده بود تا برای بقیه افسرها
توجیه کند که مثلا چرا در جبهه بستان شکست خورده اند البته آنها نمی-
گویند ما شکست خوردیم میگویند ما عقب نشینی کرده ایم !!! اما تحلیلش
این بود که: اخبار تظاهرات ایرانیها را در کشورشان می شنیدند که ،
به همان ترتیب بی نظم و تظاهر وار آمدند جبهه بستان، و ما هم زدیم نزدیک
۲۰ هزار نفر را کشتیم، آنهایی که گوش می دادند رفتند به آن منطقه ای
که مقر تشکیلاتی آنها بود. یکی از افسران در فکر بود و در همین اثنا
افسری را مشاهده کرد مشغول مین گذاری در خاکریزها بود. گفت: فلانی
چرا آنجا مین گذاری می کنی؟ طرف گفت قربان، خودتان فرموده اید،
چند ساعت قبل خودتان گفته بودید که من مینها را کجا کار بگذارم تا
ایرانیها نتوانند به ما برسند. گفت بابا چی میگویی تو. افسر توجیهی به
ما گفت که ایرانیها هزارتا هزارتا حمله می کنند، خب ۵۰۰ تا روی مین
بروند، ۵۰۰ تای دیگه که به ما می رسند!! این را يك افسر اسیر شده
عراقی خودش اعتراف و اقرار می کرد.

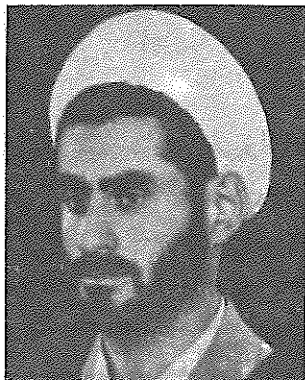
واقعیت مسئله در جنگ این است که با حضور مردم در جنگ ما
توانسته ایم بیروزیهایی را کسب کرده و انشاءالله تا آخر هم پیروز
خواهیم شد.

این مسئله هم در آمل هست. چارتا بچه آمدند اسمشان را گذاشتند
چریک و وارد عمل شدند. مردم ما در جبهه ها کاملاً شب و روز در آتش
زندگی می کنند آنوقت همین مردم بایک ترقه می خواهند بترسند؟ حقا

که دشمنان ما احمقند!

بنا بر این وظیفه شما برادران هست که انشاءالله به ارتش بیست میلیونی جامعه عمل ببوشانید و از این طریق دین خود را به اسلام و انقلاب بیشتر ادا کنید. بیش از این وقت شما را نمی گیرم. ما که لیاقت آن را نداریم که از شما در مقابل این همه فداکاریها سپاسگزاری کنیم اما خداوند با ماست و گفته است که مومنین را من پیروز میکنم، همین قدر سعی کنید که در میدان باشید و برای خدا کار کنید بقیه کارها با خداست، قدر خودتان را بدانید، از این موقعیتی که بدست آورده اید، دقیقاً در راه خدا کار کنید. برای ما مسئله ای نیست که خارج از ما چگونه تعریف می کنند همینقدر که خدا با ماست، پس پیروزیم. برادران، رسالت ما سنگین است تمام سعی و کوشش شما این باشد که در نزد خداوند، این امتحان را خوب بدهید . انشاءالله .

والسلام



تحلیل و نظرات نماینده مردم آمل

حجت الاسلام نوروزی پیرامون حوادث ۶ بهمن آمل

س اول: ریشه پیدایش حادثه آمل چه بوده است؟

ج - بسم الله الرحمن الرحيم - درود بروان تابناک شهیدان اسلام و سلام بر امام بزرگوار. ضمن تشکر از برادران سپاه منطقه ۳ که بفکر تعیین یادنامه‌ای برای شهدای حادثه آمل افتاده‌اند.

پیدایش حادثه آمل و حوادث نظیر آنرا باید بطور اصولی در دو چیز دانست اول طمع و آزمندی رو به تراید امپریالیزم جهانی - بطور اعم - جهت بزیر ممیز کشاندن ملل محروم جهان. دوم آزادی بی حد و حصر و حساب نشده دوران پس از پیروزی انقلاب، که من باختصار بطور جداگانه در پیرامون هر یک بحث می‌کنم.

میدانیم که جهانخواران در بین کشورهای ضعیف نگاه داشته شده دارای منافع حیاتی هستند که اگر آن منافع قطع شود کشورشان با بحران حتمی روبرو خواهد شد. طبیعی است که کشور استثمارگر برای هر چه بیشتر چپاول کردن کشورهای ضعیف به لطائف الحیل گوناگونی توسل می‌جویند، و هر روز دامی تازه بر سر آنان میگستراند تا از این راه هر انقلاب و یا نهضت ملی و مردمی را با دسیسه و حيله سرکوب کند حتی انقلابهای بثمر رسیده را پس از گذشت زمان از مسیر واقعی خود منحرف ساخته و جریان امور را بحالت اول برمیگرداند.